

مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

خدیدجه سفیری* و مریم صادقی**

*گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء

**کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء

چکیده:

در این مقاله چگونگی پیوند بین مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بررسی و تحلیل شده است که با روش پیمایشی انجام شده است. هدف کلی پژوهش، شناسایی وضعیت مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن می‌باشد که به دنبال دستیابی به این اهداف، شناخت بسترها و زمینه‌های مناسب و امکانات و شرایط لازم جهت حصول هرچه بیشتر مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر در ابعاد مختلف هدف اصلی این پژوهش می‌باشد.

با تکیه بر تئوری‌های موجود، اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره از متغیرهای مهم و اثرگذار در تبیین مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر می‌باشند.

جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دختر 18 تا 29 ساله مشغول به تحصیل در دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری پژوهش با روش طبقه‌ای انجام شده و با استفاده از فرمول کوکران 343 نفر از دانشجویان دختر، به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند.

آزمون‌های همبستگی پیرسون نشان می‌دهد رابطه سه متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی)، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره با مشارکت اجتماعی معنادار می‌باشد و بیشترین تاثیر را متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دارد. بر مبنای نتایج پژوهش متغیرهای مذکور 22 درصد واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین کردند. ($R^2 = 0/22$)
واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره.

Girl Students' Social Participation of Social Sciences Faculties in Tehran Universities and Effective Factors on It

Kh.Saferi* and M. Sadeghe**

***Social Sciences Department , Alzahra University**

****M.A. Student, Alzahra University**

Abstract

In this paper, how relationship between girl students' social participation and effective factors on it, is examined and analyzed and it has performed whit measurement method. General purpose of this study is to identify status of girl students' social participation and examination of effective ,social factors on it and after reaching to these purposes, identification of appropriate backgrounds and necessary facilities and conditions to have girl students' social participation in different dimensions are the main purpose of this study.

Whit relying on existing theories, social trust , feeling of not having power and self-centredness are important and effective variables in determining of girl students' social participation.

Statistical society of the study is girl students in range of 18 to 29 years who are studying at the social sciences' faculties in Tehran's governmental universities . Sampling of the study are sampling method and with use of Cocran formula , 343 girl students were chosen as a sample society.

Pierson tests show relationship between three variables – social capital (social trust), feeling of not having power and self- centredness with social participation have meaning and variable of social trust has the most influence on girl students' social participation. Based on results of the study , above variables have 22% variance of social participation ($R^2=0/22$).

Key words :Social Participation, Social Capital, Social Ttrust, Feeling of Not Having Power and Self-Centredness

بیان مسأله

با نگاهی به تاریخ معاصر ایران می‌توان شاهد حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود. این حضور در مقاطعی بسیار جدی و در دوره‌هایی رو به ضعف نهاده و کم رنگ شده است، ولی حضور زنان در مجموعه تحولات اجتماعی ایران و نقش فعال و پویای آنها امری انکار ناپذیر است.

یکی از عرصه‌هایی که شاهد فعالیت زنان هستیم عرصه اجتماع و مشارکت اجتماعی آنها می‌باشد. مشارکت اجتماعی مقوله‌ای عام است که صرفنظر از منافع مادی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، گر چه می‌تواند منافع مادی نیز در پی داشته باشد. مشارکت زمینه مناسبی برای دخالت افراد از جمله زنان در فرآیند های تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی می‌باشد. از آن جا که

خیریه ای در دانشگاه به عنوان مشارکت اجتماعی تعریف شده و مورد سوال قرار گرفته است.

اهداف پژوهش

- 1- شناسایی وضعیت مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر در دانشگاه
- 2- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن.
- 3- دانشجویان چقدر همکاری گروهی را برای انجام فعالیتهای خود انتخاب می کنند و یا در فعالیتهای مستلزم کار گروهی شرکت می کنند و آن را در چه سطحی ارزیابی می کنند.

پیشینه موضوع

تحقیقاتی که در زمینه مشارکت انجام شده است، مقوله مشارکت را به صورت عام مورد بررسی قرار داده، بخصوص به امر مشارکت در روستاها توجه زیادی شده است ولی مشارکت به صورت خاص تر نیز بیشتر حول و حوش مشارکتهای سیاسی و اقتصادی مورد توجه بوده و کمتر روی مشارکت اجتماعی کار شده است.

- اکبری (1375) در تحقیقی تحت عنوان " موانع مشارکت زنان در اجتماع" انجام داده است، موانع موجود را به دو دسته برونزا و درونزا تقسیم می کند. موانع درونزا شامل ساختار جنسی زنان، دوره های زایمان و تربیت کودکان و .. می باشد که باعث محدودیت و کناره گیری زنان از فعالیتهای اجتماعی می گردد. به همین ترتیب، موانع برونزا شامل عدم تخصص و سواد، عدم خودباوری و اعتماد به نفس می باشد. وی در نهایت نتیجه می گیرد که موانع و مسائل موجود بر سر راه

نیروی متخصص می تواند کارایی بالایی در ارتقای برنامه ها داشته باشد، لذا برای حضور بیشتر زنان در سطوح تصمیم گیری، زمینه مشارکت اجتماعی و فعال نمودن آنان یکی از راه کارهای اساسی است.

در تحقیق محسنی (1382) در زمینه مشارکت اجتماعی، میزان مشارکت اجتماعی زنان کمتر از مردان بوده و مردان با گروهها و انجمنهای علمی و فرهنگی مشارکت و همکاری بیشتری دارند و عواملی مثل افزایش سطح سواد، اطلاعات عمومی بالا، اعتقاد کمتر به جبرگرایی، ارزشهای فرامادی، سرمایه اجتماعی بالا، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و .. بر این مسأله تاثیر گذار هستند.⁽¹⁾ در کنار سایر عوامل تاثیر گذار بر امر مشارکت پایین بودن سطح سواد زنان از عوامل مهم بر این امر شناخته شده است.

مسأله اصلی این تحقیق آن است که با توجه به حضور بیش از پیش دختران در دانشگاهها در چند سال اخیر و دستیابی به تحصیلات عالی و به عنوان بخشی از جوانان تحصیل کرده که جمعیت رو به فزونی در ایران دارند و همچنین به عنوان نخبگان و افراد اثرگذار، آیا بر میزان مشارکت اجتماعی آنها تاثیر گذاشته است؟

میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر چقدر می باشد؟ عوامل اجتماعی مؤثر بر آن کدامند؟

فعالیت و عضویت دانشجویان در انجمن ها، شامل صنفی و علمی و گروه های دانشجویی در حوزه های ورزشی و تفریحی هم چنین عقیدتی و

(1) محسنی، منوچهر / جاراللهی، عذرا (1382)، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: نشر آرون.

افزایش سطح سواد، اطلاعات عمومی و اعتقاد کمتر به جبرگرایی، ارتباط با انجمنهای علمی و فرهنگی بیشتر می‌شود. عوامل فرهنگی بیش از عوامل مادی در میزان مشارکت افراد با انجمنهای علمی و فرهنگی نقش دارند.

همچنین میانسالان بیش از همه گروههای سنی با گروهها و نهادها همکاری و مشارکت دارند. جوانان بیش از بقیه در فعالیتهای اجتماعی شرکت دارند. مشارکت مردان با گروهها بیش از زنان است. کسانی که دارای مدرک دانشگاهی و اطلاعات عمومی بالا هستند، همکاری بیشتری با گروهها و نهادها دارند. در رابطه با متغیرهای اقتصادی، بالاترین شاخص مشارکت نزد افراد طبقه اجتماعی بالا، برخوردار از درآمد متوسط و یا بالا و محصلین و دانشجویان ملاحظه می‌گردد. عوامل فرهنگی بیش از عوامل اقتصادی در مشارکت افراد در گروهها نقش دارند.

- سفیری (1384) در مقاله مشارکت اجتماعی جوانان، یادآور می‌شود سازمان های غیر دولتی بر حسب نوع آن می‌توانند جوانان را جهت فعال شدن در سطوح محله ها و شهر و منطقه ای و ملی به مشارکت اجتماعی دعوت نموده و به این ترتیب آنان را در تصمیم گیری ها دخالت دهند.

- باب پرایس¹ (2002) در تحقیقی با عنوان "سرمایه اجتماعی و عوامل تاثیرگذار بر مشارکت مدنی" با انجام مصاحبه‌های عمیق با 32 نفر از رهبران انجمنهای داوطلبانه در تگزاس، نتیجه گرفته که علیرغم تأکیدات بر نقش فرهنگ و ارزشها در چنین فعالیتهایی، متغیرهای اقتصادی در متاثر

مشارکت زنان در جامعه، بیشتر یک پدیده برونزا است و به زنان از شرایط پیرامون تحمیل گردیده است.

بنابراین با حذف این موانع و اصالت دادن به نقش زنان می‌توان بسیاری از موانع و مشکلات موجود را برداشته و زنان نیز سهمی در فعالیتهای اجتماعی داشته باشند.

- ازکیا و غفاری (1380) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان"، پیوند بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند. داده‌های جمع آوری شده از جامعه مورد مطالعه، دلالت بر وجود رابطه معنادار در سطح اطمینان 99 درصد بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی دارد. یعنی با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش پیدا کرده است.

البته این تاثیربخشی صورتی یک جانبه ندارد بلکه حالتی چند جانبه و متعامل دارد و نوعی رابطه تعاملی بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد که هر یک مقوم دیگری است و برآیند این رابطه متعامل، گسترش فضای عمومی است که با تنوع نهادهای مشارکتی و جمعی شناخته می‌شود.

- محسنی و جار اللهی (1382) در تحقیقی مشترک در زمینه مشارکت اجتماعی به نتایج زیر دست یافته اند:

مشارکت در انجمنهای علمی و فرهنگی در ایران بسیار ضعیف است. مشارکت مردان با انجمنهای علمی و فرهنگی بیش از مشارکت زنان است. با

می شود تا به بررسی مشارکت اجتماعی دختران جوان در فعالیت های دانشگاهی پرداخته شود.

مبانی نظری پژوهش:

تعریف و سطوح مشارکت اجتماعی:

مشارکت اجتماعی را می توان فرآیند سازمان یافته ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدفهای معین و مشخص، که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می گردد، تعریف کرد. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، گروهها، سازمانهای محلی و غیردولتی هستند (ازکیا و غفاری، 1380:16 و 15).

سطوح گوناگونی از مشارکت قابل تمیز است:

الف - مشارکت در یک یا چند گروه که با توجه به شکل، ماهیت، شدت و فراوانی تماس های فرد با گروه تعریف می شود.

ب - از دیدی وسیع تر و با در نظر گرفتن کل جامعه و بخش های گوناگون سازمان، مشارکت به معنای تعلق همراه با فعالیت به مجموعه ای از وظایف است. (بیرو 1370، 258)

مشارکت اجتماعی تحت تأثیر عوامل گوناگون در سطوح مختلف می باشد. در این تحقیق مشارکت اجتماعی دانشجویان با عواملی در سطح کلان چون اعتماد اجتماعی و در سطح میانی احساس بی قدرتی در سازمان (دانشگاه) و عامل خود پنداره در سطح خرد مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس مشارکت (متغیر وابسته) به عنوان کنش اجتماعی از منظر جامعه شناسانی چون یورگن هابرماس و الکسی دوتوکویل بررسی شد.

ساختن درگیری و فعالیت افراد در این انجمنها، اهمیت بسیاری دارد.

- رنه بکر¹ (2003) در مقاله خود با عنوان "عضویت در انجمنهای داوطلبانه، منابع اجتماعی، شخصیت یا هر دو" با تحلیل داده های ثانویه به بررسی سهم عوامل جامعه شناختی مانند تحصیلات، درآمد، وابستگی مذهبی و سرمایه اجتماعی و عوامل روانشناختی مانند نوع شخصیت در توضیح فعالیت در انجمن های داوطلبانه می پردازد و در پایان نتیجه می گیرد که عوامل روانشناختی در صورتی قادر به تبیین این مسأله هستند که تاثیر عوامل جامعه شناختی در آنها مورد بررسی قرار گیرد.

- ایوان اسکوفر² و ناریون گوریناس³ (2004) در مقاله ای با عنوان "زمینه های ساختاری مشارکت مدنی: مطالعه عضویت در انجمن های داوطلبانه با دیدگاهی تطبیقی" عضویت در انجمنها را در 32 کشور، با استفاده از روش تحلیل داده های ثانویه آزمون کرده اند و آنرا تحت تاثیر تفاوت بین ساختار دولتها، نهادهای سیاسی و فرهنگ سیاسی ملتها دانسته اند. این متغیرها، هم میزان مشارکت و هم نوع انجمنهایی که افراد در آن فعالیت می کنند (جنبش های جدید یا قدیمی) تعیین می نمایند.

در جمع بندی تحقیقات انجام شده ملاحظه می شود که در ایران چندان به مسأله مشارکت اجتماعی توجه نشده و جای تحقیقات بیشتر و در بین گروه ها و اقشار مختلف خالی است. در این مقاله تلاش

1- Rene Bekker
2- Evan Schofer
3- Nariyon Gourinchas

1) یورگن هابرماس² (حوزه عمومی و مشارکت اجتماعی)

هابرماس سه نوع کنش را از هم تفکیک می‌کند: کنش ابزاری، کنش استراتژیک و کنش ارتباطی. کنش ابزاری دارای موقعیتی غیر اجتماعی است و در سطح بین فردی عقلانیت ابزاری را همراه می‌آورد، یعنی جستجوی سود و به پیش بردن منافع شخصی. اگر از زاویه میان یک شناسنده (سوزه) و یک شناسا (ابژه) دست به کنش بزینم گرفتار خرد ابزاری شده و دست به کنش ابزاری زده‌ایم (کرایب، 30:1380).

کنش استراتژیک یا راهبردی و کنش ارتباطی هر دو دارای موقعیت اجتماعی‌اند. کنش استراتژیک کنش هدفدار-عقلانی است که به عمل دو یا چند فرد مربوط می‌شود که در تعقیب یک هدف، کنش معقولانه هدفدارشان را هماهنگ می‌کنند. مانند کنش‌هایی که در درون سازمان‌ها صورت می‌گیرد و این نوع در جستجوی موفقیت است در حالیکه در کنش ارتباطی افراد به دنبال موفقیت شخصی‌شان نیستند، بلکه اهدافشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی‌شان را بر مبنای تعریف‌هایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند و این واکنش عقلانی و بنیادی است و توجه به آن سبب می‌شود که در آن همه به ابزارهای خرد، فرصت مشارکت در بحث، طرح نظرات و مشارکت در تصمیم‌گیری نهایی دسترسی پیدا کنند. این نوع کنش در جستجوی تفاهم است.

توافقی که در ضمن کنش ارتباطی حاصل شده مبنایی عقلانی دارد زیرا هیچ یک از طرفین

کنش یا عمل مشارکتی به عملی گفته می‌شود که عامل با توجه به انتظارات افراد دیگر آنرا انجام می‌دهد. چنین ویژگی ما را بر آن می‌دارد که فضای اجتماعی این عمل و مشارکت را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. مشارکت به عنوان یک عمل از نظر فرد دارای دو جنبه است؛ اول اینکه چه انگیزه‌هایی فرد را ترغیب به انجام عمل می‌نماید. به عبارت دیگر چه نیات و انگیزه‌هایی (محرکها) در افراد موجب می‌گردد تا آنها به طور فعال در امری مشارکت نمایند که فقدان چنین انگیزه‌هایی را می‌توان به عنوان مانع عمل مشارکت به حساب آورد. دوم اینکه فرد چقدر نسبت به عمل مورد مشارکت آگاهی دارد و چه میزان عدم آگاهی او نسبت به این عمل موجب خودداری او از شرکت در آن می‌گردد.

برای بررسی متغیر مستقل اعتماد اجتماعی که یکی از اجزای سرمایه اجتماعی است تئوریهایی سرمایه اجتماعی پانتام و فوکویاما مورد استفاده قرار گرفته است، هم چنین برای احساس توانایی در سازمان

تئوریهایی احساس بی‌قدرتی رابرت مرتون و ملوین سی من مطرح می‌شود.

برای ارتباط خود پنداره مثبت و افزایش مشارکت به عنوان یک کنش نظریات چارلز هورتون کولی و موریس روزنبرگ مورد توجه قرار گرفته است.

تئوریهایی مشارکت¹ (متغیر وابسته)

ارتباطی است که در غیاب نفوذ فراگیر سنت و عوامل سنتی ایجاد کننده مشروعیت و یکپارچگی اجتماعی، اصل دستیابی به وفاق اجتماعی و توافق بر سر آنچه علایق عمومی و منافع جمعی خوانده می شود را ممکن می کند. هابرماس درباره رابطه شکل گیری هویت جمعی "ما" با بحث و گفتگو در مجامع و گروهها و انجمن های جامعه و حوزه عمومی بطور کلی، در موارد مختلف تأکید کرده و شکل گیری هویت را اساساً فعالیتی جمعی و توأم با بحث و گفتگوی استدلالی و همراه با اقتباس نقادانه از سنت و علوم و فلسفه می داند. عمل و گفتار جمعی است که علایق جمعی و هویت جمعی را شکل می دهد (رضایی، 62:1374).

مضمون اصلی در اکثر آثار هابرماس عبارتست از: مشارکت در تدوین و ارایه سیمایی واضح از یک "جامعه جهانی بهتر" جامعه ای که در آن امکانات و تسهیلات بیشتری برای سعادت، شادکامی، صلح و همبستگی همگان فراهم باشد. بطور کلی منظور هابرماس بر اساس امکانات و تسهیلات وجود سازمانها، انجمنها و مجامع جامعه مدنی است چراکه اینگونه سازمانها مهمترین ابزار واسطه ای میان دولت و افراد جامعه می باشند که به عنوان پتانسیل جامعه برای تحقق دموکراسی تلقی می شوند؛ زیرا دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمنهایی امکان پذیر است (Almond, 1965:245).

(2) الکسی دوتو کوپل¹

نمی توانند آن را تحمیل کنند (کرایب، 301:1380 و 300).

هابرماس فضایی که کنش ارتباطی در آن صورت می گیرد را حوزه عمومی می نامد. منظور وی از حوزه عمومی عرصه و قلمرویی از حیات اجتماعی انسانهاست که در آن بتوانند چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل دهند. زمانی که شهروندان درباره مسایل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه ای آزاد بدون قید و بند - یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمنها، آزادی بیان و چاپ نشر افکار - با یکدیگر مشورت و کنکاش می کنند، در واقع به صورت یک پیکره عمومی رفتار می کنند. تعبیر افکار عمومی به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان بطور غیر رسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می کنند (نوذری، 322:1381).

هابرماس حوزه عمومی را یکی از مقوله های جهان مدرن یعنی جامعه بورژوایی می داند. او استدلال می کند که حوزه عمومی اساساً شبکه ای از ارتباطات است که برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی جهت مبادله معانی بین افراد و گروهها از کنش ارتباطی استفاده می کنند. حوزه عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می دهد (هولاب، 26:1378).

اهمیت تأکید هابرماس بر حوزه عمومی به عنوان مجرای شکل گیری هویت جمعی و علایق عمومی اساساً ناشی از تشخیص این نکته است که استمرار حیات جامعه وابسته به عملکرد صحیح ساختارهای

منافع مشترک، آمریکایی را به هم مرتبط می‌کند، از همین رو آنها با همدیگر همکاری می‌کنند و به یکدیگر اعتماد دارند. فرد آمریکایی با شور و هیجان در مباحث کوچک و بزرگ جمعی وارد می‌شود و در مورد آن بحث می‌کند و در انجمن‌های مرتبط فعالیت می‌کند، همین حضور در ارزشها و مباحثات جمعی به مثابه سرمایه اجتماعی او را به مشارکت در امور جامعه تشویق می‌کند و باعث علاقمندی او به جامعه‌اش می‌شود (همان، 503).

او مشارکت را در سایه همکاری و اعتماد جمعی ممکن می‌داند. حضور در انجمن‌ها و شبکه‌های ارتباطات افراد واقعی را بوجود می‌آورد و نیروی هر اقدامی را فراهم می‌کند. در این قسمت به بررسی تئوری‌های مربوط به متغیرهای مستقل می‌پردازیم. یکی از آن‌ها اعتماد اجتماعی بود که در قالب مفهوم وسیع‌تر آن یعنی سرمایه اجتماعی مطرح می‌شود.

تئوریهای سرمایه اجتماعی

1) رابرت پاتنام¹

به نظر پاتنام ایده اصلی تئوری سرمایه اجتماعی این است که شبکه روابط اجتماعی ارزشمند و سودمند است. همانطور که دارایی مادی (سرمایه فیزیکی) یا تحصیلات (سرمایه انسانی) می‌تواند بهروری را در سطح فردی و جمعی افزایش دهد، پیوندهای اجتماعی نیز بر سودمندی افراد و گروهها مؤثرند.

توکویل بر یک فضای زندگی انجمنی در جامعه تأکید می‌کند و آنرا در پیشرفت یک جامعه مؤثر می‌داند.

توکویل استدلال می‌کند که یکی از این وسایل، توزیع قدرت بین نهادهای گوناگون دولت (تفکیک قوا) و وسیله دیگر، انتخابات دوره‌ای است. اما مهمترین وسیله کنترل قدرت دولت، وجود انجمن‌های اجتماعی است (چاندوک، 1377).

به نظر او انجمن‌ها باعث می‌شوند که افراد با گروهها و علایق وسیعتر پیوند یابند. بنابراین این انجمن‌ها به زندگی عمومی انسجام می‌دهند، فضایل مدنی را تحکیم و ارزشهای دموکراتیک را تثبیت می‌کند (همان).

این انجمن‌ها نیروی فوق العاده‌ای دارند که زیاده‌روی احتمالی دولتها را به خصوص در جوامع دموکراتیک کنترل می‌کنند.

توکویل در مطالعه‌ای که در آمریکا انجام داده، کارآمدی و تأثیر انجمن‌ها را در حیات اجتماعی و سیاسی آمریکا بیان می‌کند.

توکویل می‌گوید: در آمریکا هیچ چیز از پیش ساخته شده نیست و به اقتضای ضرورت و موقعیت به صورت آنی و برای رفع نیاز ساخته می‌شود و در صورت رفع نیاز از بین می‌رود. راز دموکراسی آمریکا در همین جاست. این همکاری مردم با یکدیگر در اموری که به همه آنها مربوط است از قدرت جلوگیری می‌کند. از آنجایی که خودشان در ساخت جامعه مشارکت دارند، جامعه را چیزی از خود می‌دانند و در ساختن جامعه به یکدیگر اعتماد دارند (توکویل، 1347:126).

1-Robert Putnam

بالا تر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر است. خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می کند (همان، 292).

وجود نهادهای همکاری جویانه مستلزم اعتماد بین اشخاص است، هر چند این مهارتها و اعتماد به نوبه خود توسط همکاری تقویت می شود (همان، 309).

پاتنام اضافه می کند، پیوندهای ضعیف بین گروهها، بیشتر از پیوندهای قومی و خویشاوندی یا دوستی صمیمی برای تقویت همبستگی جامعه اهمیت دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت، سرمایه اجتماعی به اعتماد میان اعضای گروه اشاره دارد و نه اعتماد میان اعضای خانواده با خویشاوندان، از اینرو سرمایه اجتماعی در شبکه های ارتباطات اجتماعی درون گروهها و بین گروهها شکل می گیرد. در اثر تداوم رابطه بین اعضای یک گروه و بین اعضای گروهها، اعتماد و سرمایه اجتماعی بین آنها تقویت می شود و هزینه روابط و فعالیت های گروهی کاهش می یابد.

"همکاریهای داوطلبانه به وجود سرمایه اجتماعی بستگی دارد. از طرفی تداوم روابط اجتماعی اعتماد ایجاد می کند و از طرفی شبکه های مشارکت ورزی باعث افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی می شوند (همان، 303).

2) فرانسیس فوکویاما²

فوکویاما سرمایه اجتماعی را در رابطه با توسعه اقتصادی در نظر می گیرد و در پاسخ به این سؤال که چرا برخی کشورها موفقیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند، ادعا می کند که در

سرمایه اجتماعی ویژگیهایی مانند شبکه روابط، هنجارها و اعتماد اجتماعی است که همکاری و هماهنگی را برای منافع اجتماعی تسهیل می کند (Putnam, 2000:21).

همکاری داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه های مشارکت مدنی¹ به ارث برده است، بهتر صورت می گیرد (پاتنام، 285:1380).

از نظر این صاحب نظر، سرمایه اجتماعی که اعتماد یکی از وجوه برجسته آن است، با تسهیل اقدامات، کارایی جامعه را بهبود می بخشد و هزینه مبادلات و همکاریهای محلی را کاهش می دهد. همکاری ارادی بوسیله سرمایه اجتماعی تسهیل می شود (همان).

در جوامع کوچکتر، اعتماد شکل مشخص و صمیمانه دارد و اما در جوامع پیچیده با تقسیم کار جدید، اعتماد شکل غیر شخصی و انتزاعی به خود می گیرد. اعتماد در جوامع نوین اعتماد انتزاعی و تعمیم یافته است.

از نظر پاتنام، روابط اجتماعی مداوم می تواند انگیزه هایی برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند. اعتماد نیز از عناصر تقویت همکاری است. اعتماد یک عنصر غیر اختیاری و ناآگاهانه نمی باشد، بلکه مستلزم پیش بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. ما به این دلیل به افراد اعتماد می کنیم که با توجه به شناختمان از خلق و خوی آنها، انتخابهای ممکن و تبعات و تواناییشان حدس می زنیم که انجام این کار را برمی گیرند. اعتماد همکاری را تسهیل می کند. هر چه سطح اعتماد در جامعه ای

اجتماعی بیشتری دارد، قادر به ایجاد این سازمانها است چرا که درجه بالاتری از اعتماد سبب ایجاد و ظهور روابط اجتماعی متنوع می‌شود. در عوض مردمی که به یکدیگر اعتماد ندارند فقط تحت سیستمی از قوانین و ضوابط رسمی که بتواند جایگزین اعتماد شود، می‌توانند با هم همکاری کنند (Fukuyama, 1995:27).

بنابراین بین سطوح سرمایه اجتماعی در جوامع (که جزء اساسی آن را اعتماد در نظر می‌گیرد) و توانایی برای ایجاد سازمانها رابطه وجود دارد. از آن جا که اعتماد به ابعاد برون گروهی و درون گروهی و انتزاعی تقسیم می‌شود که در این مقاله اعتماد دانشجویان را به دیگران به طور عام، به دوستان و هم کلاسی‌ها و هم چنین مسئولین و بعضی از افراد در مشاغل مختلف مثل اساتید، پزشک‌ها و معلمان مورد بررسی قرار دادیم. در این جا به بررسی احساس قدرت و توانایی در رساندن تقاضاها به گوش مسئولین و تغییر در بعضی شرایط بر اساس تئوری‌های موجود می‌پردازیم.

تئوریهای احساس بی‌قدرتی¹ (1) رابرت مرتون² و بیگانگی³

رابرت مرتون از جمله جامعه‌شناسان پیرو مکتب اصالت واقعیت اجتماعی است که کوشیده طرقتی را که در آن رفتار نابهنجار، منحرف و رفتار بیمارگونه بوسیله صور خاصی از ساخت اجتماعی ساخته و تولید می‌شود نشان دهد.

این کشورها سطوح بالای سرمایه اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند (فوکویاما، 1379).

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی عبارتست از: هنجارهای غیر رسمی جا افتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. این هنجارها باید در رابطه انسانی جا افتاده باشند. هنجار متقابل به هنگام سروکار داشتن با تمام مردم به طور بالقوه وجود دارد، اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالفعل می‌شود (همان، 11).

اما مجموعه‌ای از هنجارهای جا افتاده، سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند. آنها باید به همکاری در گروهها منجر شوند و با ارزشهای معنوی و سنتی چون صداقت، پایبندی به تعهدات، قابلیت اطمینان در انجام وظایف (وظیفه شناسی) و نظایر آن مرتبط باشند (همان، 13).

سرمایه اجتماعی عنصری از سرمایه بشری است که موجب می‌شود اعضای یک جامعه به هم اعتماد کنند و با تشکیل گروهها و سازمانهای جدید، با یکدیگر همکاری کنند.

به نظر فوکویاما، هنر کار جمعی و وجود انجمنهای مختلف در جامعه آمریکا حاکی از وجود اعتماد است. سرمایه اجتماعی قابلیت است که از رواج و نفوذ اعتماد در جامعه ناشی می‌شود ولی می‌تواند در گروههای مختلف اجتماعی تبلور یابد.

به نظر فوکویاما مفیدترین نوع سرمایه اجتماعی، کارکردن تحت اقتدار یک گروه یا اجتماع سنتی نیست بلکه توانایی ایجاد انجمنهای جدید و همکاری در آنها است. جامعه‌ای که سرمایه

1- Powerlessness

2- Robert Merton

3-Alienation

ارزشها و هنجارهای اجتماعی را نپذیرد دچار نوعی احساس بی‌هنجاری است. به نظر مرتون هر سه جنبه بیگانگی یعنی احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوا در مجموع و یا به صورت منفرد در فرد می‌تواند تظاهر کند. مرتون منبع بیگانگی را در شرایط آنومیک جامعه جستجو می‌کند و عقیده دارد که آنومی اجتماعی اثرات متفاوتی بر افراد با توجه به موقعیتهای مختلفی که آنها در ساختار اجتماعی اشغال کرده اند می‌گذارد (محسنی تبریزی، 1370: 62 و 59).

2) ملوین سی من⁴ و رویکرد به بی‌قدرتی:

سی من بی‌شک در زمره نخستین روان‌شناسانی است که کوشیده مفهوم بیگانگی روانی را در قالبی منظم و منسجم تدوین و تعریف نماید. به نظر سی من واژه بیگانگی امروزه چنان عمومیت دارد که در تبیین هر چیزی بدان رجوع می‌شود. از نظر او ساختار بوروکراسی جامعه مدرن شرایطی را ایجاد و ابقاء کرده است که در آن انسانها قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ایست که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی گردیده و او را به کنشی منفعلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد. سی من در

وی همه صور اختلالات رفتاری از قبیل انحراف، نابهنجاری و بیگانگی را نه یک مسأله آسیب روانی و نه یک مسأله خاص فردی، بلکه به عنوان یک مسأله اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی در نظر می‌گیرد.

وی دوجنبه یا بعد از سیستم اجتماعی و فرهنگی را مشخص می‌کند:

الف- اهداف¹، آرزوها، انتظارات² و ارزشهای فرهنگی³

ب- جاده‌ها، راهها، وسایل و اسباب حصول به

این اهداف

به نظر مرتون در جامعه غربی بین آنچه که فرهنگ به عنوان هدف و ارزش تعیین و تبلیغ می‌کند و آنچه که ساخت اجتماعی به عنوان وسیله و راه وصول در نظر می‌گیرد تناسب و توازن نیست. ساخت اجتماعی نمی‌تواند وسایل و طرق یکسانی را برای همه اعضاء جامعه تدارک ببیند. توازن و ارتباط معقول و مؤثر بین هدف و وسیله تنها از طریق تهیه و تدارک وسایل و فرصتها و راههای قابل حصول برای همگان و از بین بردن نابرابریهای اجتماعی حاصل می‌شود. وقتی جامعه کلاً بر فرد کنترل دارد وی نوعی احساس بی‌قدرتی خواهد کرد؛ زمانیکه هر دو هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتوا است وی نوعی احساس جدایی و انزوای اجتماعی خواهد داشت و زمانی که فرد

-
- 1- Goals
 - 2- Expectations
 - 3- Cultural Values

در جریان این گفتگوی آزاد است که افراد خود را جزیی از جمع می‌پندارند و رفتارهای جمعی را می‌آموزند و اقدام به مشارکت اجتماعی می‌کنند و دنیای خود را همراه با ارزشها و مشترکات هنجاری بنا می‌کنند. اگر افراد احساس کنند که کنش آنها در ساختن دنیای آنها بیهوده است و احساس بی‌قدرتی به آنها دست دهد، هرگز وارد مشارکت مباحثه نمی‌شوند. اینکه افراد وارد مشارکت می‌شوند و در ساختن دنیای خود مشارکت می‌کنند، به خاطر اینست که آنها این فرض را با خود دارند که مباحثه و مشارکت آنها تاثیری در ساختن دنیای خودشان دارد. اگر افراد احساس کنند که مشارکت آنها فایده‌ای ندارد و احساس بی‌قدرتی کنند، وارد کنش مشارکتی نمی‌شوند.

این احساس بی‌قدرتی در سازمان با خودپنداره منفی نیز رابطه دارد. برای بررسی این رابطه از تئوری‌های موجود استفاده می‌کنیم.

چارلز هورتون کولی

کنش مشارکتی که با جهت‌گیری عام گرایانه همراه به اعتماد متقابل صورت می‌گیرد در فضای عمومی تعریف می‌شود. از اینرو وجود حوزه عمومی و مباحثه آزاد و فارغ از سلطه از مقتضیات کنش مشارکتی است.

کولی جامعه‌پذیری را تلاش مشارکتی می‌داند که در آن فرد در رابطه با دیگران مفهوم "خود" را گسترش می‌دهد و جامعه به عنوان دیگری عام (Generalized Other) دوباره در ذهن فرد خلق می‌شود. وی معتقد است که فرآیند جامعه‌پذیری مانند عمل آینه است و مطرح می‌کند که خویش‌شناسی‌ها بیشتر انعکاسی هستند از آنچه در پاسخ‌های دیگران به خودمان می‌بینیم به

یک تیپ‌شناسی از بیگانگی، پنج نوع بیگانگی را از هم متمایز می‌کند: 1- احساس بی‌قدرتی 2- احساس بی‌معنایی یا محتوایی¹ 3- بی‌هنجاری یا احساس نابهنجاری² 4- احساس انزوای اجتماعی³ 5- احساس تنفر یا تنفر از خویش⁴.

به نظر سی‌من اندیشه ناتوانی Powerlessness رایج‌ترین کاربرد را در متون موجود دارد. این شکل بیگانگی را چنین می‌توان درک کرد که انتظار یا احتمال شخص نمی‌تواند تعیین‌کننده دستاوردها یا نیروهای کمکی باشد که در حاصل رفتار خود جستجو می‌کند.

احساس بی‌قدرتی یا ناتوانی، عبارتست از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که بر اساس آن کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست (محسنی تبریزی، 68:1370 و 67).

کنش مشارکتی که با جهت‌گیری عام گرایانه همراه به اعتماد متقابل صورت می‌گیرد در فضای عمومی تعریف می‌شود. از اینرو وجود حوزه عمومی و مباحثه آزاد و فارغ از سلطه از مقتضیات کنش مشارکتی است.

5- Meaninglessness
6- Normlessness
1-Social Isolation
2-Estrangement

نگرش‌هایی را که خود مایل به انجام دادن و داشتن آنها نیست انجام دهد و داشته باشد.

موريس روزنبرگ

مفهوم "پنداشت از خود"ی که روزنبرگ بر آن تاکید می‌کند، مفهومی عام تر از "خود" است که در بر گیرنده هم شناسا و هم شناخته و به احساسات و اندیشه‌هایی اطلاق می‌شود که فرد در ارجاع به خودش به عنوان یک شناخته عینی دارد و به اعتقادهایی راجع است که فرد در مورد خودش دارد. او این بخش از خود را برای هر کس مهم می‌انگارد و آن را مهم‌ترین شناخته هر فرد در جهان می‌داند. فرد در اینجا خودش را مورد باز اندیشی قرار می‌دهد، یعنی از یک سوی به عنوان شناسنده خود عمل می‌کند و از سوی دیگر، خودش را مورد شناسایی قرار می‌دهد. "خود"، یک پدیده به نسبت اجتماعی است که از رویکردهای دیگران درباره شخص ناشی می‌شود، ولی پنداشت از خود، در بر گیرنده رویکردها و باور داشتهایی است که جنبه ای منحصر به فرد دارد و منعکس‌کننده دیدگاه‌های بی‌همتایی فرد درباره خودش است (ریترز، 317:1377).

روزنبرگ بین محتوا، ساختار، ابعاد و حد و حدود مفهوم "پنداشت از خود" تفاوت قایل می‌شود و "پنداشت از خود" را اینچنین تعریف می‌کند: "تمامیت اندیشه‌ها و احساسات افراد با

عبارت دیگر انسان در این روند سعی دارد تا خود را از دید دیگران ارزیابی کند.

به نظر کولی "خود" نخست فردی و سپس اجتماعی نمی‌شود بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط دیالکتیکی شکل می‌گیرد. آگاهی یک شخص از "خود"ش بازتاب افکار دیگران درباره "خود"ش است پس به هیچ رو نمی‌توان از خودهای جداگانه سخن به میان آورد؛ بدون اعتماد همبسته شما، او و آنها هیچ ادراکی از من نمی‌توانند از ذهن صورت بندد. کولی برای روشن ساختن انعکاسی خود آن را با آینه (Looking Glass Self) مقایسه کرده است:

همچنان که سیما، اندام و لباسمان را در آینه برانداز می‌کنیم و اگر آراسته و برازنده تشخیص دهیم خرسند می‌شویم و در غیر اینصورت ناخرسند، در ذهن دیگران نیز به گونه‌ای تخیلی برداشتی از ظاهر، رفتار، اهداف، کردار و شخصیت‌مان داریم و به صورت‌های گوناگون از این برداشت‌ها متأثر می‌شویم.

مضمون نظریه کولی اینست که ماهیت انسانی "خود" عقیده، فکر و نگرش افراد از رهگذر تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و چنین مسائلی تا قبل از ورود فرد به عرصه تعاملات اجتماعی وجود ندارد اما فرد با در نظر گرفتن خواسته‌ها و انتظارات دیگران سعی در سازگار کردن خود با محیط و آماده نمودن بستر پذیرش خود است و همین قضیه باعث می‌شود که فرد بسیاری از کارها، افکار و

روزنبرگ مکانیزم‌هایی را برای شکل‌گیری عزت نفس و به تبع آن رفتار مؤثر می‌داند که عبارتند از: اصل ارزیابی‌های بازتابی، اصل مقایسه اجتماعی و اصل نسبت دادن به خود. اصل اول برگرفته از نظریات کولی و مید در طرح مفهوم خودآینه سان است. اصل دوم برگرفته از نظریات فستینگر می‌باشد که به توضیح چگونگی قضاوت افراد درباره خودشان می‌پردازد. بر اساس اصل سوم افراد از طریق این فرآیند، انگیزه‌ها، تمایلات و هدفها را برمبنای مشاهده اعمال خود به خودشان نسبت می‌دهند (خلیلی، 1374).

با توجه به این دیدگاه می‌توان خودپنداره فرد را در ارتباط با مشارکت اجتماعی تا حدی تبیین نمود. مکانیزم اثر ارزیابی‌های بازتابی به صورتی است که خود فرد بر مبنای آینه جامعه شکل می‌گیرد. در این خصوص نوع نگرش مردم و دیگران به کاری که فرد انجام می‌دهد و یا به عبارتی جایگاه امور مشارکتی از دیدگاه دیگران می‌تواند به صورت بازتابی بر خودپنداره فرد منعکس شود. به نظر می‌رسد چنانچه کار فرد (امر مشارکتی) از دیدگاه دیگران دارای ارزش و اهمیت باشد، بازتاب آن اثر مطلوب روی خودپنداره فرد دارد و بر عکس. با توجه به اصل دوم یعنی اصل مقایسه اجتماعی، به نظر می‌رسد که افراد در غیاب اطلاعات قابل مشاهده درباره خود، به قضاوت درباره خود می‌پردازند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که فرد در قضاوت درباره کار خود به مقایسه وضعیت با فردی که از کار با ارزشی (ارزش

استناد به خودشان به عنوان یک ابژه" (مارشال، 1996:469، "به نقل از کشاورز، 1381").

مقصود از محتوا، همان هویت اجتماعی است که بسته به گروه یا موقعیت‌هایی که فرد به لحاظ اجتماعی به آنها تعلق دارد و استعدادهایش مشخص می‌شود.

گرایش فرد یعنی که فرد مایل است به چه عنوانی از خود واکنش نشان دهد- به چه عنوانی مایل است شناخته شود-. رابطه بین هویت اجتماعی و گرایش‌های فرد ساختار "پنداشت از خود" را تشکیل می‌دهد. گرایش‌ها و احساساتی که فرد نسبت به خود دارد می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد، سازگاری (سازگاری گرایش‌ها با هم) ثبات و برجستگی (همان).

روزنبرگ خودپنداره را اینگونه تعریف می‌کند: "کلیت اندیشه‌ها و احساسات افراد به عنوان یک پدیده به خودشان برمی‌گردد."

یا به عبارت بهتر خودپنداره شامل تفکرات و احساسات فرد درباره خودش به عنوان یک موضوع است. بنابراین خودپنداره از نظر روزنبرگ فقط بخشی از خود است و اهمیت آن به خاطر این است که شاید برای هر فرد مهمترین موضوع یا پدیده در جهان باشد. به اضافه این که خودپنداره‌ها مجموعه منحصر به فردی از نقطه نظرات افراد درباره خودشان بازتاب می‌دهند. به همین جهت خودپنداره ماهیت انعکاسی دارد.

بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر اساس عوامل ذکر شده می‌توان فرضیات پژوهش را به صورت زیر عنوان کرد:

1- هرچه اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر بالاتر باشد، سرمایه اجتماعی آنها بالاتر، در نتیجه مشارکت اجتماعی آنها بیشتر است.

2- هرچه احساس بی‌قدرتی دانشجویان دختر کمتر باشد، در نتیجه مشارکت اجتماعی آنها بیشتر است.

3- اگر خودپنداره دانشجویان دختر مثبت باشد، در نتیجه مشارکت اجتماعی آنها بیشتر است.

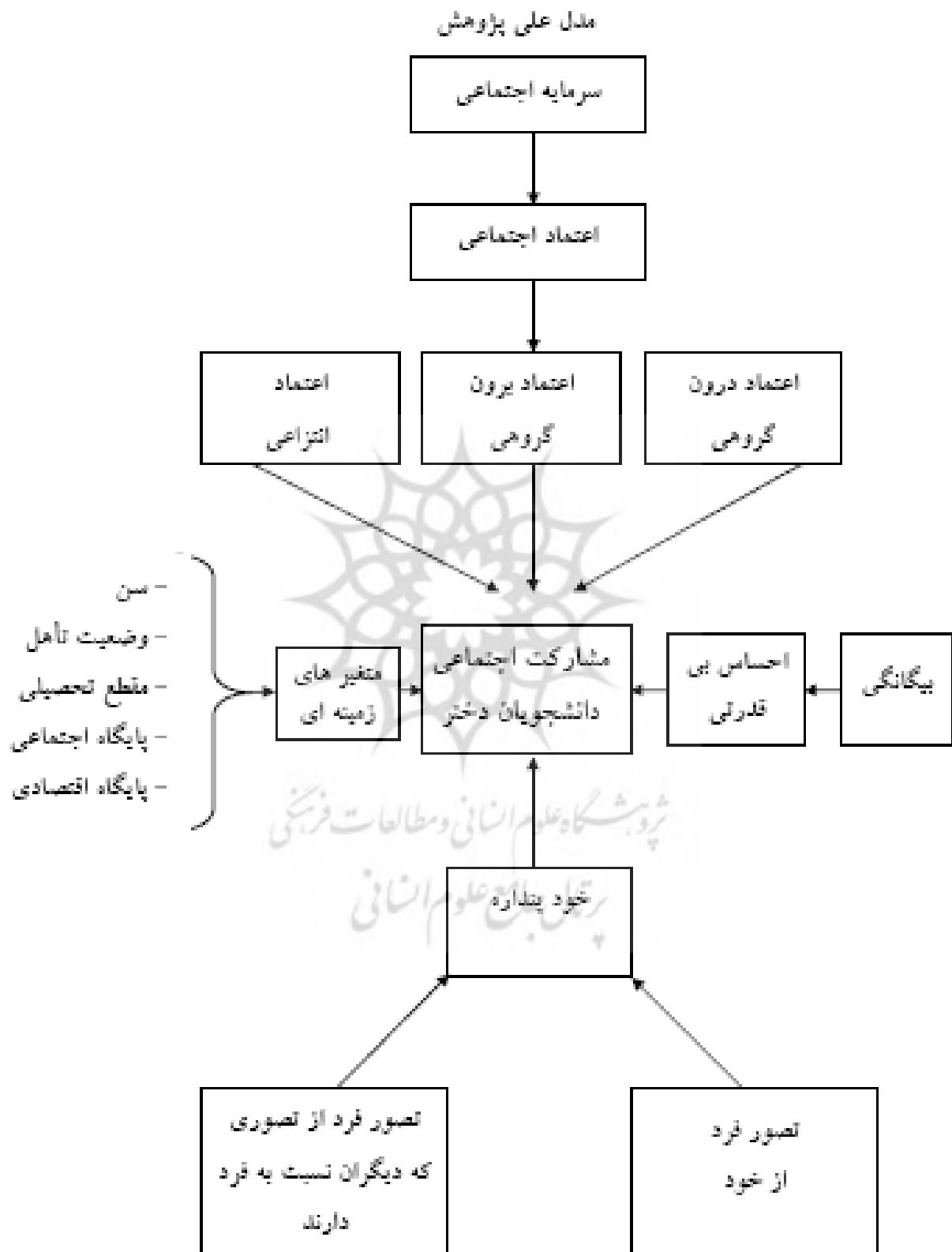
4- بین ویژگیهای زمینه‌ای دانشجویان دختر (سن، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، پایگاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی) و مشارکت اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

بیرونی) برخوردار است، بپردازد. چنانچه کار خود در مقایسه اجتماعی با دیگران دارای ارزش و اهمیت بالایی باشد و این قضاوت مورد مطلوب شخص باشد، فرد از خودپنداره مثبت برخوردار خواهد بود. بر اساس اصل سوم نیز فرد انگیزه‌ها، هدف‌ها و تمایلات را بر مبنای مشاهده اعمال خود به خود نسبت می‌دهد. بدین ترتیب وقتی فردی در کار خود موفق است، این موفقیت را به خود نسبت می‌دهد که موجب خودپنداره مثبت فرد می‌شود.

خودپنداره مثبت، موفقیت، خود شکوفایی و خود مقبولی به همراه دارد و به این ترتیب باید در هر سنی و (مرحله‌ای) از زندگی به عنوان هدفی ارزشمند در نظر گرفته شود. با وجودی که خودپنداره مثبت خود پیامد مهمی در حوزه‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود می‌تواند به عنوان عامل میانجی بر دیگر پیامدهای رفتاری و اجتماعی مهم مانند مشارکت اجتماعی تاثیرگذار باشد.

فرضیات پژوهش

در این تحقیق عوامل اجتماعی از قبیل سرمایه اجتماعی که اعتماد اجتماعی یکی از وجوه برجسته آن است، احساس بی‌قدرتی که وجهی از بیگانگی می‌باشد، خودپنداره و ویژگیهای زمینه‌ای و تاثیر آن



روش تحقیق:

تحقیق حاضر، تحقیقی پیمایشی است. تحقیق پیمایشی روشی مناسب برای جمع آوری مجموعه وسیعی اطلاعات از تعداد زیادی پاسخگوست (بی، 1381، بیکر، 1381).

جامعه آماری:

جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دختر مشغول به تحصیل در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده های علوم اجتماعی دانشگاه های تربیت معلم، تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و الزهرا بودند.

شرح مفصل جامعه آماری و نحوه نمونه گیری پژوهش در جدول شماره 1 به شرح زیر آمده است.

جدول 1- راهنمای جامعه آماری و نحوه نمونه گیری پژوهش

مقاطع دانشکده ها	تعداد دانشجویان کارشناسی	تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد	درصد دانشجویان کارشناسی ارشد	درصد دانشجویان کارشناسی	تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد	تعداد دانشجویان کارشناسی در نمونه
دانشکده علوم اجتماعی الزهرا (س)	464	133	22	78	9	54
دانشکده علوم اجتماعی تربیت معلم	177	7	4	96	2	17
دانشکده علوم اجتماعی تهران	750	185	20	80	8	91
دانشکده علوم اجتماعی شهید بهشتی	110	8	7	93	3	10
دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی	1289	111	8	92	10	139
جمع	2790	444	14	86	32	311
جمع کل	3234	100	343			

نحوه نمونه‌گیری

نمونه‌گیری دو مرحله ای ابتدا طبقه‌ای سپس تصادفی بر اساس لیست انجام شده است.

حجم نمونه: (Sample Size) بر اساس فرمول کوکران برابر 343 نفر به دست آمد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

تعریف نظری مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدفهای معین و مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌گردد، تعریف کرد. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، گروهها، سازمانهای محلی و غیردولتی هستند (ازکیا و غفاری، 16:1380 و 15).

تعریف عملیاتی مشارکت اجتماعی

برای سنجش مشارکت اجتماعی از یک مقیاس 16 گویه‌ای و یک سؤال باز برای عضویت در گروههای غیررسمی استفاده شده است. مؤلفه‌های این متغیر عضویت و فعالیت در امور مختلف دانشگاه اعم از انجمن دانشجویی، بسیج دانشجویی، امور صنفی و... می‌باشد.

تعریف نظری سرمایه اجتماعی

"پاتنام" سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: "وجه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود

بخشند." اعتماد یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است (پاتنام، 291:1380).

تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی

در این تحقیق سرمایه اجتماعی را از بعد اعتماد مورد سنجش قرار می‌دهیم که شامل سه بعد اعتماد درون گروهی، اعتماد برون گروهی و اعتماد انتزاعی می‌باشد. مؤلفه اعتماد درون گروهی، اعتماد یا عدم اعتماد به افراد درون گروه، مؤلفه اعتماد برون گروهی، اعتماد یا عدم اعتماد به افراد خارج گروه و مؤلفه اعتماد انتزاعی، اعتماد یا عدم اعتماد به نهاد یا اصناف اجتماعی می‌باشد. که برای سنجش هر سه مؤلفه اعتماد از مقیاس‌های چند گویه‌ای در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

تعریف نظری احساس بی‌قدرتی

احساس بی‌قدرتی نوعی "بیگانگی" است که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل خود تأثیرگذار نیست. به عبارتی احساس بی‌قدرتی عبارت از این تصور است که فرد احتمال می‌دهد که عمل او بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را برآورده نسازد (محسنی تبریزی، 69:137).

تعریف عملیاتی احساس بی‌قدرتی

در این تحقیق احساس بی‌قدرتی نسبت به مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سنجیده می‌شود. در این تحقیق برای سنجش احساس بی‌قدرتی از مقیاس احساس بی‌قدرتی نیل و سی من استفاده شده است. این مقیاس شامل 14 گویه در قالب طیف لیکرت می‌باشد.

تعریف نظری خودپنداره

یک فرد مجموعه ادراک‌های مربوطه به خود و صفات و رفتار خویش و نیز نگاه دیگران را در یک تصور کم و بیش منسجم و مستحکم و تا حدی عینی متشکل می‌کند که این کلیت را می‌توان درک از خود یا پنداشت از خود (خودپنداره) نامید (مای لی، 1380).

خودپنداره همان خود ادراک شده است که نقطه نظر عینی فرد را از مهارت‌ها، خصوصیات و توانایی‌های خویش بیان می‌کند (دستیار، 25:1384).

پایگاه اقتصادی عبارتست از جایگاه افراد در ساخت اقتصادی جامعه.

تعریف عملیاتی پایگاه اقتصادی:

پایگاه اقتصادی بسته به موقعیتی که افراد به مقتضای شغل (منزلت شغلی پدر، مادر و همسر) و ثروت خانواده (میزان برخورداری از امکانات زندگی، نوع مسکن، منطقه سکونت و سرانه درآمد خانوار) بدست می‌آورند، سنجیده می‌شود.

تعریف نظری پایگاه اجتماعی

مقامی که فرد یا گروه با توجه به توزیع شأن در یک نظام اجتماعی اشغال می‌کنند پایگاه اجتماعی گویند و یا وضعیتی که فرد در یک نظام اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد که تعیین‌کننده حقوق و وظایف انسانها و گروههای اجتماعی است (ساروخانی، 730:1370).

تعریف عملیاتی پایگاه اجتماعی:

پایگاه اجتماعی بسته به میزان تحصیلات (فرد، پدر، مادر، همسر و سه تن از افراد بالای 15 سال خانواده)، شغل (منزلت شغلی پدر، مادر و همسر) و منطقه سکونت سنجیده می‌شود.

شرح دقیق تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش در جدول شماره 2 آمده است.

تعریف عملیاتی خودپنداره

در این تحقیق خودپنداره شامل دو بعد خودپنداره مثبت و منفی می‌باشد. این دو بعد با دو مؤلفه تصور فرد از خود (خود ایده‌آل) و تصویری که دیگران نسبت به وی دارند (خود واقعی) سنجیده می‌شود. مفهوم خود، حاصل تفاضل این دو خود می‌باشد. اگر مفهوم خود مثبت شود به معنی آن است که شکاف بین خود واقعی و ایده‌آل حداقل است. بر این اساس از مقیاس برش قطبین اسکود و همکارانش برای سنجش مفهوم خود استفاده شده است.

تعریف نظری پایگاه اقتصادی:

جدول 2- تعریف عملیاتی متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش

متغیر	ابعاد	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
مشارکت اجتماعی	-	عضویت و مشارکت در امور دانشگاه و فعالیتهای گروهی اعم از انجمن دانشجویی، بسیج دانشجویی و ..	1- شرکت در فعالیتهای صنفی دانشجویان برای رفاه دانشجویان ... 16- شرکت و عضویت در تیم های ورزشی به صورت حرفه ای
اعتماد اجتماعی	اعتماد برون گروهی		1- این روزها نمی شود به کسی اعتماد کرد 2- دوستان و آشنایان قابل اعتماد هستند ... 6- می توان به ریاست دانشکده و معاونانش اعتماد کرد
اعتماد اجتماعی	اعتماد درون گروهی		1- دانشجویان نسبت به یکدیگر اعتماد دارند 2- دانشجویان به نظرات یکدیگر اهمیت نمی دهند ... 9- دانشجویان به یکدیگر پول قرض نمی دهند
	اعتماد انتزاعی		1- اساتید دانشگاه 2- معلمان ... 12- پزشکها
احساس بی قدرتی	سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی	دخالت و مشارکت افراد در تصمیم گیریها و حل مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	1- همه مشکلات ما ناشی از سیاست غلط سیاستمداران. .. 2- به نظرم برای جلوگیری از افزایش قیمتها هیچ کاری. 14- دانشجویان در تغییر وضع موجود (از نظر شهریه. ..
خودپنداره	مثبت منفی	تصور فرد از خود	1- مقتدر - ضعیف 2- عمیق - سطحی ... 24- خودخواه - متواضع
		تصور فرد از تصویری که دیگران نسبت به وی دارند	1- مقتدر - ضعیف 2- عمیق - سطحی ... 24- خودخواه - متواضع
متغیر	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
پایگاه اقتصادی	-	شغل ثروت خانوار	- منزلت شغل پدر، مادر و همسر - میزان برخورداری از امکانات زندگی، نوع مسکن، منطقه محل سکونت و سرانه درآمد خانوار
پایگاه اجتماعی	-	میزان تحصیلات شغل منطقه سکونت	- میزان تحصیلات فرد پاسخگو، پدر، مادر، همسر و سه تن از افراد بالای 15 سال خانواده - منزلت شغلی پدر، مادر و همسر

اعتبار و پایایی ابزار

اعتبار (Validity)

در این پژوهش برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری استفاده شده است. "منظور از اعتبار صوری شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش است از طریق مراجعه به داوران (ساروخانی، 1392:1382).

پایایی (Reliability)

ساده ترین تعریف پایایی عبارتست از میزان همسانی نتایج سنجش مکرر (بیکر، 142:1381). در این تحقیق شاخص پایایی مقیاس، آمار "آلفای کرونباخ" است که دامنه آن از صفر تا یک تغییر می‌کند. برای تعیین پایایی ابزار سنجش، ابتدا پرسشنامه تنظیم شد و 30 پاسخگو به این پرسشنامه پاسخ دارند.

جدول 3 - جدول ضرایب آلفای کرونباخ

متغیرها	میزان آلفا کرونباخ
مشارکت اجتماعی ذهنی	0,6
مشارکت اجتماعی عینی	0,89
اعتماد برون گروهی	0,61
اعتماد درون گروهی	0,71
اعتماد انتزاعی	0,67
احساس بی قدرتی	0,78
خود ایده ال	0,75
خود واقعی	0,84

نتایج

بر این اساس پایداری درونی مقیاس های مورد استفاده در این تحقیق بالای 60% بدست آمد که نشانگر پایایی بالای این مقیاس ها می باشد و حاکی از روایی قابل قبول و بالای این ابزار است.

در این بخش ابتدا به رابطه متغیر های زمینه ای با مشارکت اجتماعی می پردازیم:
رابطه سن و مشارکت اجتماعی:

جدول 4 - ضریب همبستگی پیرسون سن و مشارکت اجتماعی

تعداد (N)	سطح معنی داری (sig)	میزان ضریب همبستگی پیرسون (r)
343	0/217	0/067

معنی دار نیست، یعنی بین سن و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود ندارد.

چنانچه در جدول بالا ملاحظه می شود، میزان همبستگی سن با مشارکت عینی 0/067 می باشد که با توجه به سطح معنی داری 0/217 این رابطه

رابطه دانشگاه محل تحصیل و مشارکت اجتماعی

جدول 5- آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب دانشگاه محل تحصیل

آماره های استنباطی		آماره های توصیفی		طبقات	متغیر مستقل
سطح معنی داری (sig)	F	انحراف معیار	میانگین		
0/518	0/812	20/43	37/68	دانشگاه شهید بهشتی	دانشگاه محل تحصیل
		17/07	37/37	دانشگاه تربیت معلم	
		23/74	35/33	دانشگاه الزهرا (س)	
		18/97	31/31	دانشگاه تهران	
		18/6	34/55	دانشگاه علامه طباطبایی	

می باشد که گویای عدم تفاوت از نظر میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان در این 5 گروه است.

بنابراین فرضیه مبین وجود تفاوت بین این چند گروه (دانشگاههای محل تحصیل) تایید نشد.
رابطه مقطع تحصیلی و مشارکت اجتماعی:

چنانچه در جدول فوق مشاهده می شود، میانگین میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان در دانشگاه شهید بهشتی 37/68 می باشد که بیشترین مقدار بوده، درحالیکه میانگین مشارکت اجتماعی افراد پاسخگو در دانشگاه تهران 31/31 می باشد که کمترین مقدار است. با توجه به داده های جدول مقدار F در سطح معنی داری 0/518 برابر 0/812

جدول 6- آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب مقطع تحصیلی

آماره های استنباطی		آماره های توصیفی		طبقات	متغیر مستقل
سطح معنی داری (sig)	t	انحراف معیار	میانگین		
0/069	1/824	19/43	33/21	کارشناسی	مقطع تحصیلی
		21/45	27/40	کارشناسی ارشد	

میزان مشارکت اجتماعی است. بنابراین فرضیه ای که مبین وجود تفاوت بین این دو گروه از نظر میزان مشارکت می باشد، رد می شود.

رابطه اعتماد برون گروهی و مشارکت اجتماعی

چنانچه در بالا ملاحظه می شود، میانگین میزان مشارکت اجتماعی افراد مقطع تحصیلی کارشناسی برابر 33/21 و میانگین مشارکت اجتماعی افراد مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد 27/40 می باشد. مقدار t در سطح معنی داری 0/069 برابر 1/824 می باشد که بیانگر عدم تفاوت این دو گروه از نظر

جدول 7- ضریب همبستگی پیرسون اعتماد برون گروهی و مشارکت اجتماعی

تعداد (N)	سطح معنی داری (sig)	میزان ضریب همبستگی پیرسون (r)
343	0/126	0/083

اعتماد برون گروهی و مشارکت اجتماعی رابطه‌ای

وجود ندارد.

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که همبستگی

رابطه اعتماد درون گروهی و مشارکت

اجتماعی:

بین دو متغیر اعتماد برون گروهی و مشارکت

اجتماعی 0/083 می‌باشد که در سطح معنی داری

0/126 این رابطه معنی دار نمی‌باشد، یعنی بین

جدول 8- ضریب همبستگی پیرسون اعتماد درون گروهی و مشارکت اجتماعی

تعداد (N)	سطح معنی داری (sig)	میزان ضریب همبستگی پیرسون (r)
343	0/024	0/122 **

با افزایش اعتماد درون گروهی میزان مشارکت

اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند.

چنانچه ملاحظه می‌شود بین دو متغیر اعتماد

درون گروهی و مشارکت اجتماعی با توجه به میزان

همبستگی ($r = 0/122$) و سطح معنی داری 0/024

رابطه مثبت و کاملاً معنی داری وجود دارد. بطوریکه

رابطه اعتماد انتزاعی و مشارکت اجتماعی:

جدول 9- ضریب همبستگی پیرسون اعتماد انتزاعی و مشارکت اجتماعی

تعداد (N)	سطح معنی داری (sig)	میزان ضریب همبستگی پیرسون (r)
343	0/003	0/159 **

به طوریکه با افزایش میزان اعتماد انتزاعی، میزان

مشارکت اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند.

چنانچه در جدول 9 مشاهده می‌شود، میزان

همبستگی دو متغیر اعتماد انتزاعی و مشارکت

رابطه اعتماد اجتماعی (ترکیب سه بعد آن) و

مشارکت اجتماعی:

اجتماعی 0/159 می‌باشد که با توجه به سطح

معنی داری 0/003 این رابطه کاملاً معنی دار می‌باشد،

جدول 10- ضریب همبستگی پیرسون اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی

تعداد (N)	سطح معنی داری (sig)	میزان ضریب همبستگی پیرسون (r)
343	0/001	0/260 **

توجه به سطح معنی داری 0/001 این رابطه کاملاً معنی دار

می‌باشد. یعنی با افزایش میزان

داده‌های جدول 10 نشان می‌دهد که همبستگی بین

اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی مثبت بوده که با

رابطه احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی:

اعتماد اجتماعی، میزان مشارکت اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند پس این فرضیه هم مورد تایید واقع می‌شود.

جدول 11- ضریب همبستگی پیرسون احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی

تعداد (N)	سطح معنی داری (sig)	میزان ضریب همبستگی پیرسون (r)
343	0/001	-0/177 **

افزایش میزان احساس بی‌قدرتی، میزان مشارکت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. این فرضیه نیز تایید شد.

رابطه خودپنداره و مشارکت اجتماعی:

با توجه به داده‌های جدول بالا، بین دو متغیر احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد که با سطح معنی داری 0/001 این رابطه کاملاً معنی دار بوده، به طوری که با

جدول 12- آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب خودپنداره

آماره‌های استنباطی		آماره‌های توصیفی		طبقات	متغیر مستقل
سطح معنی داری (sig)	t	انحراف معیار	میانگین		
0/001	9/64	20/41	44/51	خودپنداره مثبت	خودپنداره
		13/73	86/33	خودپنداره منفی	

در بین دو گروه از نظر میزان مشارکت اجتماعی معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه‌ای که مبین وجود تفاوت بین این دو گروه از نظر میزان مشارکت اجتماعی می‌باشد، پذیرفته می‌شود.

رابطه وضعیت تأهل و مشارکت اجتماعی:

چنانچه داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد، میانگین مشارکت اجتماعی افرادی که خودپنداره مثبت دارند 44/51 و میانگین افرادی که خودپنداره منفی دارند 33/86 می‌باشد. با توجه به t بدست آمده در سطح معنی داری 0/001 که برابر 0/727 می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت این اختلاف میانگین

جدول 13- آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل

آماره های استنباطی		آماره های توصیفی		طبقات	متغیر مستقل
سطح معنی داری (sig)	t	انحراف معیار	میانگین		
0/468	0/727	19/33	33/89	مجرد	وضعیت تأهل
		22/79	36/35	متأهل	

بنابراین فرضیه‌ای که مبین وجود تفاوت بین این دو گروه از نظر میزان مشارکت اجتماعی می‌باشد، رد می‌شود.

رابطه پایگاه اقتصادی و مشارکت اجتماعی

با توجه به جدول بالا، میانگین میزان مشارکت اجتماعی مجردین برابر 33/89 بوده، درحالی‌که میانگین میزان مشارکت اجتماعی متأهلین 36/35 می‌باشد. مقدار t در سطح معنی داری 0/468 برابر 0/727 می‌باشد که گویای عدم تفاوت مجردین و متأهلین از نظر میزان مشارکت اجتماعی است.

جدول 14- ضریب همبستگی اسپیرمن پایگاه اقتصادی و مشارکت اجتماعی

تعداد (N)	سطح معنی داری (sig)	میزان ضریب همبستگی اسپیرمن (r)
343	0/368	0/050

می‌باشد که در سطح معنی داری 0/368 این رابطه معنادار نمی‌باشد.

رابطه پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی:

با توجه به داده‌های جدول فوق، میزان همبستگی پایگاه اقتصادی و مشارکت اجتماعی 0/050

جدول 15- ضریب همبستگی اسپیرمن پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی

تعداد (N)	سطح معنی داری (sig)	میزان ضریب همبستگی اسپیرمن (r)
343	0/512	0/038

در تحلیل چند متغیره رگرسیونی، متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، خودپنداره و متغیرهای زمینه‌ای شامل سن، مقطع تحصیلی، دانشگاه محل تحصیل، وضعیت تأهل، پایگاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی و متغیر وابسته مشارکت اجتماعی در تحلیل وارد شده‌اند که نتایج آن در جدول 15 درج شده است.

چنانچه ملاحظه می‌شود، میزان همبستگی بین دو پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی 0/038 می‌باشد که یک رابطه بسیار ضعیف می‌باشد، ولی با توجه به سطح معنی داری 0/512 این رابطه معنی دار نمی‌باشد.

رگرسیون چند متغیره

جدول 16- نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

sig	t	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد		نام متغیر
		Beta	Std. Error	B	
0/112	1/592		12/169	19/379	Constant
0/001	3/220	0/205	0/073	0/235	اعتماد اجتماعی
0/017	-2/410	-0/144	0/060	-0/154	احساس بی قدرتی
0/001	3/027	0/163	0/065	0/186	خودپنداره
0/627	0/486	0/035	0/572	0/278	سن
0/496	0/682	0/047	3/348	2/283	وضعیت تأهل
0/780	0/276	0/019	1/596	0/446	پایگاه اقتصادی
0/964	0/046	0/003	1/290	0/059	پایگاه اجتماعی
0/606	-0/517	-0/037	4/717	-2/439	مقطع تحصیلی
$R^2 = 0/233$ مشارکت اجتماعی: متغیر وابسته $R^2 = 0/189$ تصحیح شده					

از میزان واریانس موجود در میزان مشارکت

اجتماعی، توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود.

با توجه به ضریب تعیین R^2 مشارکت اجتماعی

که در جدول فوق آمده می توان گفت که 22 درصد

با توجه به معادله رگرسیون فوق، قوی ترین متغیر در پیش بینی و تبیین متغیر مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی می باشد، سپس متغیر خودپنداره با قدرت بیشتری از احساس بی قدرتی میزان تغییر مشارکت اجتماعی را تبیین می کند.

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر به عنوان روشی برای مطالعه تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به کار برده می شود و در واقع تکنیکی است برای درک عاملیت و نمایش الگوی روابط علی در میان متغیرها که به کمک آن، روابط علی میان متغیرهای مشخص شده در مدل، مورد آزمون قرار می گیرد.

در تحلیل مسیر با استفاده از ضرایب بتا (ضریب مسیر) میزان تاثیر همزمان هر متغیر بر متغیر دیگر بدست می آید.

بنابراین با توجه به مدل تحلیلی پژوهش و روابط بین متغیرها و با استفاده از ضرایب بتا، دیاگرام مسیر طرح می شود و اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها مورد بررسی قرار می گیرد.

معادله رگرسیونی مشارکت اجتماعی بر حسب ضرایب B عبارتست از:

(احساس بی قدرتی) $-0/154$ (خودپنداره) $+0/186$ (اعتماد اجتماعی) $+19/379+0/235$ = میزان مشارکت اجتماعی

همانطور که ملاحظه می شود اعتماد اجتماعی $0/235$ درصد از واریانس متغیر میزان مشارکت اجتماعی را توضیح می دهد، به عبارتی به اندازه یک واحد افزایش در اعتماد اجتماعی به طور متوسط $0/235$ به میزان مشارکت اجتماعی افزوده می شود، به اندازه یک واحد افزایش در خودپنداره به طور متوسط $0/186$ به میزان مشارکت اجتماعی افزوده می شود و بالاخره با یک واحد افزایش در میزان احساس بی قدرتی به طور متوسط $0/15$ از میزان مشارکت اجتماعی کاسته می شود.

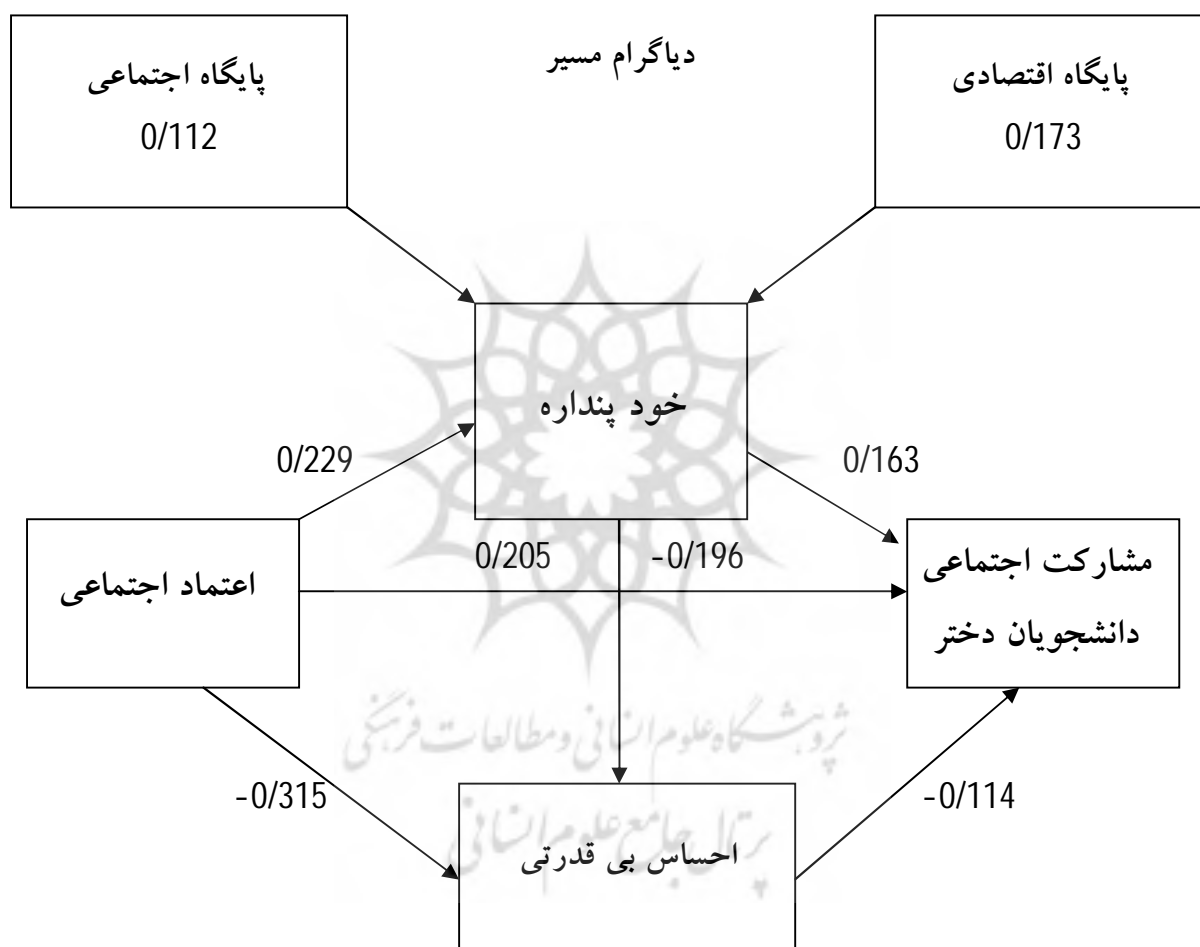
عرض از مبدأ (میزان پایه مشارکت اجتماعی) $19/379$ است، یعنی میزان مشارکت اجتماعی در صورت عدم وجود متغیرهای مستقل، $19/379$ می باشد.

معادله رگرسیونی مشارکت اجتماعی بر حسب ضرایب بتا (β) عبارتست از:

(احساس بی قدرتی) $-0/144$ (خودپنداره) $+0/163$ (اعتماد اجتماعی) $+0/205$ = میزان مشارکت اجتماعی

احساس بی‌قدرتی با ضریب مسیر $-0/144$ بر مشارکت اجتماعی تاثیر می‌گذارند. برای محاسبه اثرات غیرمستقیم، ضرایب بتای هر مسیر را تا رسیدن به متغیر وابسته در هم ضرب می‌کنیم. از آنجا که هر متغیری ممکن است از طریق مسیرهای متعدد بر متغیر وابسته اثر بگذارد، بنابراین

همانطور که مدل تحلیل مسیر در این مقاله نشان می‌دهد از میان متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی، متغیرهای اعتماد اجتماعی، خودپنداره و احساس بی‌قدرتی دارای اثرات مستقیم بر روی مشارکت اجتماعی هستند. به نحوی که اعتماد اجتماعی با ضریب مسیر $0/205$ دارای



برای محاسبه کل اثرات غیرمستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر، اثرات مسیرهای غیرمستقیم آن دو متغیر را با هم جمع می‌کنیم. بنابراین در مدل حاضر اثر غیرمستقیم اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی، با تأثیر بر احساس بی‌قدرتی با ضریب $-0/315$ و

بیشترین ضریب مسیر و اولین تبیین‌کننده میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر می‌باشد و نشان می‌دهد هر چه میزان اعتماد اجتماعی افراد بالاتر باشد، مشارکت اجتماعی بیشتری دارند. پس از آن متغیر خودپنداره با ضریب مسیر $0/163$ و

در این معنا می توان گفت مشارکت اجتماعی وقتی بالاست که افراد:

- 1- از اعتماد اجتماعی بالا که وجه بارز سرمایه اجتماعی است برخوردار باشند.
- 2- احساس بی قدرتی و ناتوانی در برخورد با مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نکنند.
- 3- از خودپنداره مثبت نسبت به خود برخوردار باشند.

اما در پاسخ به این سؤال که سهم هر یک از متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، احساس بی قدرتی و خودپنداره در تبیین میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر چقدر می باشد، در چارچوب تئوریک به بررسی آرائ مختلف مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته و ارائه مدل نظری مشارکت اجتماعی و فرضیات تحقیق ارائه شد.

در بخش یافته ها از آماره های تحلیل واریانس، همبستگی، رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر جهت تبیین مدل نظری استفاده شد. نتایج به این شرح می باشد: همانطور که در چارچوب نظری پژوهش اشاره شد مشارکت اجتماعی متأثر از متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، احساس بی قدرتی و خودپنداره فرد است.

میانگین کل شاخص مشارکت ذهنی 51/16 و میانگین کل مشارکت عینی 34/03 می باشد که میزان مشارکت ذهنی جامعه مورد بررسی بیشتر از مشارکت عینی آنهاست. از آنجا که جمعیت این پژوهش، دانشجویان دختر هستند می توان گفت

تأثیر بر خودپنداره با ضریب 0/229، 0/082 می باشد.

اثر غیرمستقیم متغیر خودپنداره بر مشارکت اجتماعی با تأثیر بر احساس بی قدرتی با ضریب 0/196-، 0/028- می باشد. اثر غیرمستقیم متغیرهای پایگاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی بر مشارکت اجتماعی با تأثیر بر متغیر خودپنداره با ضرایب مسیر 0/173 و 0/112، به ترتیب 0/028 و 0/018 می باشد.

همانطور که در جدول 16 مشاهده می شود، متغیرهای زمینه ای (سن، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، پایگاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی) به صورت مستقیم بر مشارکت اجتماعی تأثیرگذار نیستند و تنها متغیرهای پایگاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی به صورت غیرمستقیم و با تأثیر بر خودپنداره بر مشارکت اجتماعی اثر گذاشته اند.

نتیجه گیری

مشارکت اجتماعی در مقاله حاضر عبارتست از "فرآیند سازمان یافته ای که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدفهای معین و مشخص، که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می گردد، تعریف کرد. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، گروهها، سازمانهای محلی و غیردولتی هستند."

بر این اساس مشارکت اجتماعی به مثابه کنش مورد بررسی قرار گرفته است که تابعی است از سرمایه اجتماعی، احساس بی قدرتی و خودپنداره فرد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی دارای همبستگی 0/26 با مشارکت اجتماعی می‌باشد که در سطح معنی‌داری 0/001 این رابطه معنادار و مثبت می‌باشد، یعنی با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، میزان مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

متغیر احساس بی‌قدرتی دارای همبستگی 0/177- با مشارکت اجتماعی می‌باشد که در سطح معنی‌داری 0/001 این رابطه معنی‌دار می‌باشد ولی در جهت عکس، یعنی با کاهش میزان احساس بی‌قدرتی، میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد. متغیر احساس بی‌قدرتی، به احساس بی‌قدرتی اجتماعی و سیاسی اشاره دارد. اساساً احساس بی‌قدرتی در نظام‌های غیرمشارکتی بیشتر است و این متغیر معیاری برای میزان دموکراتیک بودن فرآیندهای تصمیم‌گیری در هر جامعه است. بنابراین می‌توان گفت هر چه جامعه‌ای از فرآیندهای دموکراتیک‌تر برای تصمیم‌گیری برخوردار باشد، مشارکت مردم در حیات جمعی نیز بیشتر است.

میانگین میزان مشارکت افرادی که خودپنداره مثبت داشتند برابر 44/51 می‌باشد که بیشتر از میانگین میزان مشارکت افراد با خودپنداره منفی است که مقدار $t = 5/32$ در سطح معنی‌داری 0/05 گویای وجود تفاوت معنی‌دار میانگین از نظر میزان مشارکت این دو گروه می‌باشد، به طوری که هرچه خودپنداره فرد مثبت باشد، میزان مشارکت افزایش می‌یابد.

دانشجویان که جوانان فرهیخته هستند و کنش‌های آنها متأثر از محیط دانشگاه و سطح سوادشان است، در سطح ذهنی مشارکت جوتر هستند و مشارکت پایین آنها در سطح عینی ناشی از موانع ساختاری در نظام سیاسی و فرهنگی ایران قابل ردیابی است.

میانگین کلی اعتماد برون‌گروهی 57/03، اعتماد درون‌گروهی 53/33 و اعتماد انتزاعی 45/01 می‌باشد. با مقایسه میانگین‌ها مشخص می‌شود که میزان اعتماد برون‌گروهی بیشتر از اعتماد درون‌گروهی و میزان اعتماد درون‌گروهی بیش از اعتماد انتزاعی می‌باشد و بیانگر این مطلب است که میزان اعتماد دانشجویان دختر به نظام‌های انتزاعی جامعه متوسط رو به پایین می‌باشد.

در مورد متغیر احساس بی‌قدرتی با میانگین 50/81 می‌توان گفت میزان احساس بی‌قدرتی جامعه مورد مطالعه متوسط می‌باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد افرادی که خودپنداره مثبتی از خود دارند میانگین میزان مشارکتشان 44/51 می‌باشد که این مقدار بیشتر از میانگین مشارکت افراد با خودپنداره منفی می‌باشد (33/86). میانگین میزان مشارکت ذهنی هر دو گروه بیشتر از میانگین میزان مشارکت عینی‌شان می‌باشد.

هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی) از مهمترین متغیرهای اثرگذار بر مشارکت اجتماعی می‌باشد. عکس‌العمل کنش‌گر در برابر موقعیت‌های متفاوت بسته به میزان اعتماد او به موقعیت پیش‌روست.

همچنین از نظر این جامعه شناس، شهروندی در یک جامعه مدنی اول از همه با مشارکت فعال در مسائل عمومی مشخص می شود. وی اشاره می کند جامعه مدنی، جامعه ایست که افراد با مشارکت عمومی و ترجیح منافع عمومی و با علاقه مندی به مسائل عمومی در جامعه فعالیت می کنند.

همچنین وی مطرح می کند پیوندهای ضعیف بین گروهها، بیشتر از پیوندهای قومی و خویشاوندی یا دوستی صمیمی برای تقویت همبستگی جامعه اهمیت دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت، سرمایه اجتماعی به اعتماد میان اعضای گروه اشاره دارد، نه اعتماد میان اعضای خانواده یا خویشاوندان. از اینرو سرمایه اجتماعی در شبکه های ارتباطات اجتماعی درون گروهها و بین گروهها شکل می گیرد. در نتیجه همکاریهای داوطلبانه به وجود سرمایه اجتماعی بستگی دارد. از طرفی تداوم روابط اجتماعی، اعتماد ایجاد می کند و از طرف دیگر شبکه های مشارکت ورزی باعث افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی می شوند.

با توجه به اینکه در این تحقیق میزان اعتماد دانشجویان دختر به نظامهای انتزاعی جامعه از میزان اعتماد درون گروهی و برون گروهی کمتر است و اعتماد اجتماعی نیز تأثیرگذارترین عامل بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر است، می توان نتیجه گرفت با فراتر رفتن میزان اعتماد از محدوده خانواده و خویشاوندی به نهادهای اجتماعی در قلمروهای شهری و محلی، میزان مشارکت نیز به تبع افزایش میزان اعتماد اجتماعی تعمیم یافته

در مورد متغیرهای زمینه ای مثل سن، پایگاه اقتصادی، پایگاه اجتماعی، وضعیت تأهل و مقطع تحصیلی روابط و آماره های استنباطی نشان می دهد که رابطه معناداری بین این متغیرها و میزان مشارکت اجتماعی وجود ندارد.

یافته های تحلیل رگرسیون چند متغیری و معادله رگرسیون حاکی از آنست که متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را در تغییرات میزان مشارکت اجتماعی دارد و بعد از آن متغیر خودپنداره و در نهایت احساس بی قدرتی توانسته میزان تغییرات مشارکت اجتماعی را پیش بینی نماید.

R^2 بدست آمده که برابر 0/22 می باشد بیانگر آنست که متغیرهای مستقل تحقیق در مجموع 22 درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی را تبیین و پیش بینی می کنند و مابقی تغییرات مربوط به متغیرهای دیگری است که در معادله رگرسیونی وارد نشده اند و در این تحقیق مورد مطالعه قرار نگرفته اند.

لذا سه فرضیه تحقیق اعتماد و احساس بی قدرتی و خودپنداره تایید شد ولی فرضیه مربوط به ویژگی های دانشجویان رد شد.

مبانی نظری تحقیق و تئوریهای مطرح شده در زمینه مشارکت و سرمایه اجتماعی و تعامل و رابطه این دو با هم و با توجه به نظریات پاتنام در این زمینه نشان می دهد اعتماد در جامعه نوین امروزی با تقسیم کار جدید و وجود نهادهای مختلف در جوامع امروزی، برخلاف اعتماد در جوامع کوچکتر شکل غیرشخصی و انتزاعی دارد.

ناتوانی نسبت به مسائل، مشکلات و امور مختلف به وی دست دهد، هرگز در فعالیتهای گروهی شرکت نخواهد کرد. پس باید حوزه عمومی و کنش ارتباطی بر مبنای گفتگوی آزاد و فارغ از هرگونه سلطه و قید و بند در جامعه شکل بگیرد تا افراد بتوانند با مشارکت در امور مختلف و اظهارنظر و تشکیل نهادها و انجمنها بر پایه هنجارها و ارزشهای مشترک در تصمیم‌گیریها در امور مختلف و اداره جامعه خود سهم شونند تا گامی باشد در تحقق دموکراسی، زیرا دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمنهایی امکان‌پذیر است.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره 17، صص 31-3 (1380).
- ۲- اکبری، نعمت‌الله، موانع و مشکلات زنان در اجتماع، مجله پیام زن، شماره 10، (1375).
- ۳- بیی، ارل، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (2)، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت، (1381).
- ۴- بیکر، ترنرال، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: انتشارات روش (1381).
- ۵- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران انتشارات کیهان (1370).

(انتزاعی) افزایش می‌یابد. از طرفی میزان مشارکت نیز در بازتولید و بالا رفتن اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته مؤثر خواهد بود. در غیر اینصورت به تعبیر فوکویاما مردمی که به یکدیگر اعتماد ندارند فقط تحت سیستمی از قوانین و ضوابط رسمی که بتوانند جایگزین اعتماد شود، می‌توانند با هم همکاری کنند.

در این تحقیق، نتایج نشان داد که خودپنداره دانشجویان دختر و میزان مشارکت اجتماعی با هم در رابطه هستند. از طرف دیگر فرد انگیزه‌ها، هدف‌ها و تمایلات خود را بر مبنای مشاهده اعمال خود، به خود نسبت می‌دهد. بدین ترتیب وقتی فردی در کار خود موفق است، این موفقیت را به خود نسبت می‌دهد که موجبات بالا رفتن سطح خودپنداره فرد را فراهم می‌کند، به تبع آن خودپنداره وی مثبت خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که خودپنداره و تعاون و مشارکت در فعالیتهای گروهی با هم در رابطه و تعامل هستند و هر دو مقوم یکدیگر.

از دیدگاه هابرماس در جامعه نوین از طریق کنش ارتباطی است که انسانها از سلطه رهایی می‌یابند و جهان خویش را به گونه‌ای عقلانی- ارتباطی و دموکراتیک می‌سازند. کنش ارتباطی نیز در یک فضا و حوزه عمومی شکل می‌گیرد. وجود حوزه عمومی و گفتگوی آزاد و فارغ از سلطه از ضروریات کنش مشارکتی است. اگر فرد خود را جزئی از جامعه نداند و احساس کند که کنش او در ساختن جامعه بی‌فایده است و احساس بی‌قدرتی و

- ۶- پاتنام، رابرت ، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام، (1380)
- ۷- توکویل، الکسی دو ، تحلیل دموکراسی آمریکا، ترجمه رحمت الله مراغه ای، تهران: انتشارات زوار، (1347).
- ۸- چاندوک، نیرا ، جامعه مدنی و دولت، کاوشهایی در نظریه سیاسی، ترجمه فریدون کاظمی، وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز، (1377).
- ۹- خلیلی، اکرم، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خودپنداره و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، (1374).
- ۱۰- دستیار، فاطمه ، بررسی تاثیر خودپنداره بر رضایت شغلی زنان در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، (1384).
- ۱۱- رضایی، عبدالعلی، مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف توسعه، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره 109-110، صص 63-54، (1374).
- ۱۲- ریتزر، جورج ، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی (1377).
- ۱۳- ساروخانی، باقر، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، (1370).
- ۱۴- ساروخانی، باقر ، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: انتشار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (1382).
- ۱۵- سفیری، خدیجه، سعیدی، محمد رضا، مشارکت اجتماعی جوانان از طریق تقویت سازمان های غیر دولتی توسعه اجتماعی ، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- ۱۶- فوکویاما، فرانسیس ، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، (1379)
- ۱۷- کشاورز، خدیجه ، بررسی عوامل خانوادگی موثر بر پنداشت از خود زنان متأهل ساکن تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، (1381).
- ۱۸- کرایب، یان، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگه، (1380).
- ۱۹- محسنی، منوچهر، جاراللهی، عذرا ، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: نشر آرون، (1382).
- ۲۰- محسنی تبریزی، علیرضا ، بیگانگی، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره 2، صص 72-25 (1370)
- ۲۱- نوذری، حسینعلی، بازخوانی هابرماس؛ درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس، تهران: نشر چشم، (1381).
- ۲۲- هولاب، رابرت، نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، (1378).

- 31- Marshal, Gordon(1996) , Oxford
concise dictionary of
sociology,oxford:oxford
universitypress.
- 23- Almond, Gabriel & sindney
verba, the civic culture, boston,
little brown & company.
- 24- Bekkre, Rene 2003. "Participation
in voluntary association
resources, personality or both".
- 25- www. Fss. Uu. nl .Soc , homes ,
bekkers.
- 26- Ed; J. G. Richardson, 241 - 258.
New Yourk: Green wood press
- 27- Fukuyama, Francis (1995). Trust.
The social virtues and the creation
of prosperity. Free press. New
yourk.
- 28- Gourinchas. M. Schoser. E. 2001.
"The structural contexts of sivic
engagement: Voluntary
association membership in
comparative perspective"
American Sociological Review.
Vol 65. Dec.
- 29- Price, Bob (2002). "social capital
and factors effecting civic
engagement as reported by
leaders of voluntary associations."
The social science Journal. Vol
39. Issue 1.
- 30- Putnam, Robert (2000). Bowling
alone. The callapse and Revival of
American community.
Rockefeller. center.